

غصب حقوق پشتونهای آنطرف دیورند توسط پاکستان

از زمانیکه پاکستان منیحت دانه سرطان خونی در این حصه آسیا عرض وجود کرده تا امروز همه مردم افغانستان و ناظرین اوضاع سیاسی این حقیقت را درک کرده اند که معماران و نظامیان پاکستان در فکر آن بوده اند تا حقوق طبیعی پشتون های آنطرف دیورند را غصب و شخصیت های ملی آنها را تحت عناوین قانون، حقوق و آزادی های داخلی زیر تاثیر قرار دهند و از بین ببرند که در این کار خود تا حدی پیش رفته اند و حتی در جوامع این طرف دیورند کارهای استخباراتی را در ارتباط شناخت خط فرسوده دیورند نیز انجام داده اند، که گاه گاهی صدا های نادرست و ضد ملی به بهانه دهلیز ترانزیتی، منافع اقتصادی و عدم مداخله پاکستان، در جوامع روشنفکری افغانها شنیده می شود.

آنچه افغانها که به داشتن غرور ملی در مقابل همچو نظریات ضد ملی از خود عکس العمل نشان داده اند و یا می دهند قابل غور و ستایش اند.

بهتر است تا قبل از تاریخ ایجاد پاکستان روی موضوع تماس گرفته شود تا در عمق موضوع داخل شویم، در حالیکه تاریخ واضع میسازد و صخره های خیبیر سند است که ادعای آزادی و استقلال پشتون های پبنتونستان محکوم بسیار پیشتر از نهضت آزادی هند شروع گردیده بود و روی همین علت مرکز اداره صوبه سرحد در زمان تسلط برتانیه در دهلی نی بلکی در پشاور وقوع داشت، زیرا انکلیسها میدانستند که پشتونهای ماورای اندوس مردمانی اند که از خود تاریخ کلتور و ممیزات جداگانه داشته از پنجابی - بنگالی و سندیی بسیار متفاوت بوده و نسبت به تمام حصص هند حق اولتر آزادی را صاحب اند.

همچنان روحیه آزادی خواهی در سرحد قوت بزرگی داشت و تحت قیادت فقیر ایپی و دیگران پیوسته قبل از تقسیم هند قربانی های بی پایانی دادند.

هنگامیکه آوازه تقسیم هند بالا شد و مردم از لیدران پشتونستان محکوم در باره آینده پشتونستان سوال کردند جواب که از طرف داکتر خان صاحب در ۲۱ دسامبر ۱۹۴۶ در دهلی داده شده چنین بود. (پشتونهای سرحد با سایر قسمتها و اقوام هند کاری ندارند آنها آزاد و مستقل خواهند شد و هیچ قوه آنها را مجبور ساخته نخواهد توانست که به دولت دیگری ملحق شوند)

همچنین هنگامیکه آوازه ریفرندم اجباری سرحد بلند شد در ۲۲ جون ۱۹۴۱ در مجمع بزرگی در (بنو) آن جرگه اعلان کرد: (ریفرندم به اساس طرفداری پاکستان و هند نزد این جرگه قیمتی نداشته و بایست این ریفرندم به اساس طرفداری پاکستان و پشتونستان گرفته شود، زیرا پشتونها می خواهند از غلامی برکنار و دولت آزاد و مستقل داشته باشند.)

ولی معماران پاکستان که برای غصب حق پشتونهای آنطرف دیورند تصمیم گرفته بودند صدای این جرگه و ملیون ها پشتون را ناشنیده انگاشته و در عوض مسؤولیت تاریخی خود را پشت پا زدند و نارامی آینده که امروز است بدست خویش تهیه و ترتیب نمودند، محمد علی جناح مؤسس پاکستان در ۳۰ جون ۱۹۴۸ برای خاموش ساختن و فریب دادن پشتونها از مهارت شیطانی خویش کار گرفته اظهار داشت (پشتونها در تشکیل حقوق اساسی پاکستان، واحد مستقل و جداگانه بوده و خودشان به اساس کلتور، تاریخ و عنعنات صاحب خویش خواهند بود.)

این بیانیه مانند بیانات کنونی رهبران پاکستان برای آب انداختن بروی آتش سوزان آزادی خواهی مردم پشتونستان بود.

ولی دیری نگذشت که ریفراندم اجباری نه به اساس پشتونستان و پاکستان بلکه به اساس تسلیم به هند و یا پاکستان آنها زیر انواع چالهای سیاسی و نظامی عملی شد، که ۸۵ فیصد نفوس پشتونستان از رای دادن انکار ورزیدند.

بعد از این رای گیری اجباری که به کلی خلاف حقوق بین المللی و دور از مراعات پرنسیپ های محاکمه هاگ بوده است، که گیر و گرفت شروع و مشران اقوام یکی بعد دیگری با همکاران خویش به زندان سپرده شدند و از آن تاریخ بیعد تا امروز آنچه نصیب پشتونها شد حبس، بمباردمان، تهدید و فشارهای نظامی بوده است.

اکنون این صدا و خواست ارمان و هدف یک ملت است که پیوسته ملت ما را ناقرار ساخته است و بدون این خواست همگانی افغانستان تا تکمیل خواهد ماند، اینکه ما اظهار می داریم و می گویم تمامیت ارضی، یعنی چی؟

هر دولت و حکومتی که آمد و رفت شعار داد که ما تمامیت افغانستان را می خواهیم و لیکن در عمل آنچه‌ای که ملت خواستار آن بود آنها در برآورده ساختن خواست برحق ملت چیزی نکردند، صرف هر چی انجام دادند روی کاغذ باقی ماند و این سلسله جاری است.

غفلت و بی تفاوتی در مقابل خط مرده دیورند افغانستان را بسوی تجزیه طوری که در داخل و حلقات بیرونی از آن یاد می شود به پیش می برد.

یگانه راه و اصولی که بتواند افغانستان را حفظ و بسوی وحدت ملی رهنمون سازد همین موضوع خط دیورند است، بگذار دیگران که انگشت شمار اند هر آنچه که می گویند بگویند، اینکه داعیه پشتونستان افغانستان را بدام روسهای ظالم انداخته و همچنان عاقبت داود خان و خانواده اش به خط دیورند رابطه دارد و یا اینکه داود خان در سالهای اخیر ریاست جمهوری با پاکستان بر سر موضوع خط دیورند به توافق رسیده بود و یا اینکه امیر عبدالرحمن خان آنطرف دیورند را غیر از افغان خوانده باشد و یا اینکه پشتونهای آنطرف دیورند به نفع پاکستان در ریفراندوم رای داده باشند، اینها همه کاملاً نادرست است امیر عبدالرحمن تا زنده بود تقسیم سرحد را امضا نکرد، جلب و جذب افسران اردو توسط باندهای مزدور خلق و پرچم در ابتدا از جمله اهداف اینها بوده و شهادت داود خان به خط دیورند هیچ نوع رابطه نداشته، همین ولی خان تجاوز قشون سرخ در افغانستان و قانون اساسی پاکستان را تایید کرده اند بیانات ولی خان و امثال آن ارزشی ندارد و تاکید بر همچو چهره ها ضایع وقت است، موضوع خط دیورند آنوقت مورد میداشت که ما معاهده متذکره را حقوقی می دانستیم در حالیکه چنین نیست و پشتونستان خاک تاریخی ما نبوده بلکه خاک طبیعی افغانستان است، و بر ما لازم است تا این راه و روش را تا سرحد محکمه هاگ ادامه دهیم و در این راستا مباحثی که در رسانه های تصویری و چاپی به پیش برده می شود پیشنهاد ما منحیت یک افغان این است تا نتیجه این مباحث تا سرحد محکمه بین المللی هاگ رسانیده شود اینکه گفته می شود که این حق منحصر به حکومت است و افراد جامعه این حق را ندارند که از خواست روا و ملی خود ورقه عریضه ای را به همچو محاکم تقدیم نمایند کاملاً درست نبوده است ما می توانیم از حقوق خود در این راستا استفاده نمایم.

حکومات افغانستان در عمل از داعیه مدغم شدن پشتونستان تحریکات عملی را انجام نداده اند تا پشتونهای آنطرف دیورند در پیشتیبانی آن قیام نمایند، اینکه پاکستان یک کشور اتومی بوده و افغانستان توان مندی آنرا ندارد تا خاک های طبیعی خود را مطالبه نماید این برداشت و تحلیل علمی و درست نبوده و به معنی ترساندن ملت افغانستان است که درست و ملی نبوده است، زیرا پاکستان در حالات ورشکستگی قرار دارد و این جنگ آخری پاکستان است که در جریان است و این کشور از لحاظ اقتصادی، ساخت اجتماعی سیاسی رو به تجزیه است، و ما باید مردم غبور خود باور داشته باشیم.

آنچه مشران دلسوز و پاک نیات افغان که در اروپا، امریکا و سایر کشورها که در این رابطه می توانند وظایف ملی خود را به پیش ببرند، می توانند پیش گام شوند از جمله دانشمند ملی و قابل قدر محترم ولی احمد نوری، شاعر توانا و شخصیت ملی محترم عبدالباری جهانی، دانشمند محترم محمد عارف عباسی، دانشمند محترم دکتر کاظم و دیگران می توانند این پرورسه ملی را تا سرحد مراجع بین المللی برسانند، زیرا این موضوع نهایت مهم و قابل غور است، تا توجه همگانی و نیروهای ملی و طاقت های خارجی بدین سو جلب شود اینکه افغانها خاکهای طبیعی خود را می طلبند این خود یک ضربه قوی بر ضد آنچه که خواب تجزیه کشور را در دل دارند بوده می تواند. باید با مسئولیت تام متذکر شوم اگر همچو یک حرکت براه افتاده و ایجاد شود امکانات موجود است تا صدای برحق مشران افغان را به اعضای پارلمان اضلاع متحده امریکا برسانیم و ملاقات های این نمایندگان و مشران را مساعد سازیم. امان الله از اضلاع متحده امریکا

نوت: سلام جداگانه خود را به مسؤولین و کارکنان پورتال وزین افغان جرمن آنلاین تقدیم داشته و از خداوند برای هر یک شما بیان در راستای وظایف ملی تان کامگاری و کامیابی را خواهانم، بعداً اگر ممکن است این یادداشت در نظر خواهی گذاشته شود چون ملت ناقرار است و از هر طرف دشمنان وطن برای تجزیه کار می کنند.

نوت اگر سوالی موجود است می توانید از طریق ایمیل با من در تماس شوید. با احترام

zealzest2011@yahoo.com